

نبش و اوراق اگر بدرس مانی که علم عشق در دفتر باشد
 و بدیم که نفس من در شش من ملامت میکند سبب
 مراد و اینکه که بودم و کرم که در کتاب لا و رضانه کلام
 و ما بر خدمت شیخ خاتم سویان نظری کردیم و گویم که
 برضرم فرمود که آن کتاب جوهر را بر ما بکشاید چه چیزی بود
 که غذای سفید است و هیچ حرفی در آن نیست بدست شیخ
 و او هم اوراق او کرد و اند و میفرمود آن فضایل قرآن است
 و مراد او دیدیم که خط فضایل قرآن است بعد از آن فرمود
 میسکه از آنچه بر زبان کوفی و در دل نبود کفتم نفی ما سگد
 از مسائل آن کتاب بود فرمودش گفت و از باطن منوع شد
 کوما که وقتی در دل گذشتند و در آن زمان کسب
 کوقا در بود بر هر چه است جز شیخی کونین سلطان علی اله
 مبر باید علم حال از سینه ما این فرمودند هر چه قدر کتاب است
 ای

از ابو عثمان حریفی رحمه الله علیه شیخ بقا و شیخ
 علی بنی شیخ ابو سعید قلیوی رضی الله عنه بر شیخ جواد
 میبایند و آب میزند و باقی آن کسب که خلق میروند
 او نیند مرغان اولی حنجره پروانه او بند جوران ملک با
 هر کیسوی نمودار شوق جبار و کسان که در کاشانه او نیند
 و من شستند که با وزن و عرض میگردند که کار امان باشد
 و آن حضرت میفرمود که الامان بس از من است پسند با
 او آب تمام و هر که حاضر بودی از ایشان بوقت سوار
 آن شهسوار میدان فرودیت غاشبه بر در پیش او که شیخی
 و حضرت ازین منوع کردی ایشان می گفتند و منبت مدینه
 اله الله را وی مذکور میگوید بسیار شیخ را دیدم که معا
 معطران حضرت بودند چون بر در مدینه رسیدند و او میسند
 تقبیل عتبه میگردند ای قبل صفی که تو شن ما هر چه